



## معرفی

ضمیمه نوجوان

شماره ۲۷ ■ شهریور ۱۳۹۹

نوجوان  
بازار



احمد قچاوند



این بار به

بهانه روز

سینما محتوای

صفحه معرفی

هم بیشتر

رنگ و بوی

فیلم گرفته.

به خصوص

فیلم‌هایی با

موضوع خود

سینما



## داستانی ساده با پایانی غیرقابل پیش بینی



اصولا مارتین اسکورسیزی (کارگردان) علاقه و توانایی خاصی توی ربط دادن ماجراها و درست کردن به روایت شیک و مجلسی از اتفاقات به ظاهر ساده داره و خب، این شاید سبک و سیاق مخصوص خودش هم باشه.

**هوگو** به درام ماجراجوییه که نقطه قوتش توی فیلمبرداری و انتخاب صحنه‌های مرتبط با داستان و فضا سازی فوق العاده جذابه.

جدای از داستان فیلم که شاید اوایلش کمی خسته کننده و پدربزرگ پسند به نظر برسه، این که اصلا به نوجوان چطور میتونه توی به ایستگاه راه آهن زندگی کنه و مسؤول ساعت اون ایستگاه باشه شاید خیلی ساده به نظر بیاد ولی قطعا به ذهن کمتر کسی میرسه که از همچین سوژه ای به همچین فیلمی بسازه.

سربین کینگزلی که در نقش به کارگردان بزرگ ولی فراموش شده توی این فیلم بازی می کنه، کارنامه بازیگری قابل قبول و موفق داره مخصوصا توی فیلم سینمایی «لیست شیندلر» که حسابی درخشید و چندین فیلم موفق دیگه.

ولی طرف دیگه داستان هوگو هستش که به پسر بچه کنجاکو و عشق سینماست که از بد حادثه توی محفظه ساعت بزرگ راه آهن زندگی می کنه و زندگیش به همونجا خلاصه میشه. حتما پیشنهاد می کنم اگه عشق سینمایید و دوس دارید در آینده شمارو به عنوان فیلمساز معروف دنیا بشناسن این فیلمو ببینید و مطمئن باشید که نظرتون بعد از دیدنش کلا عوض میشه.



## فیلمساز و خلبان، دی کاپریو و اسکورسیزی

فیلم‌هایی که قراره بر اساس زندگی اشخاص حقیقی ساخته بشن از دو نظر باید نسبت به بقیه فیلم‌ها قوی تر باشن. اول پژوهش تاریخی و دوم بیان دقیق جزئیات به همون شکلی که بوده.

مشکل وقتی به وجود میاد که ما به عنوان فیلمساز با بخشی از زندگی سوژه مورد نظرمون به وجد میایم و از بقیش خوشمون نمیداد و این دقیقا همون جاییه که به فیلمساز خوب رواز به فیلمساز حرفه ای متمایز می کنه.

داستان فیلم درباره هوارد هیوز، فیلمساز و تهیه کننده و خلبان معروف آمریکاییه که خیلی دلش می خواد رکوردهای مختلف پرواز رو بشکنه.

دی کاپریو حداقل توی ۲۰ سال اخیر به عنوان به چهره کاملاً حرفه ای توی بازیگری خودش اثبات کرده و حالا شما به همچین شخصی رو در کنار اسکورسیزی که بدون شک از بهترین کارگردانای قرن بیست و یکم قرار بدید تا ببینید حاصلش میشه همین فیلم یعنی **هوانورد**.

شاید یکی از سخت ترین فیلم های اسکورسیزی چه از نظر تاریخی و بحث پژوهش و چه از نظر بحثای فضا سازی و فیلمبرداری همین فیلم باشه.

به نظر من، بعد از دیدن این فیلم حتما توی اینترنت جست و جو کنید و پشت صحنه ها و مصاحبه هایی که بازیگرها و کارگردان فیلم داشتن رو هم نگاه کنید. جای دوری نمیره.



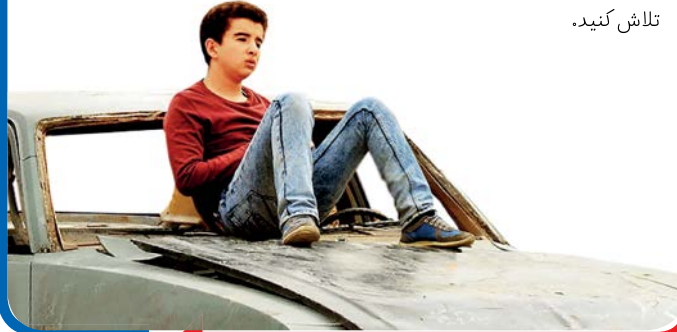
## رویای فیلم ساختن برای نوجوانان

خیلی از ماها توی زمان های مختلف خیلی کارها دوست داشتیم که انجام بدیم ولی به هزارویک دلیل نشده و یا نتونستیم.

مرتضی که به نوجوونه دوربین به دسته و عشق فیلم ساختن، توی زندگی مثل خیلی از ماها کلی مشکل داره که از نظر فیلم اصلی ترینش پوله.

این که برای عشقت (فیلم ساختن) چقدر میتونی سختی تحمل کنی یا چقدر میتونی از بقیه چیزایی که بهشون علاقه داری دست بکشی دقیقا حرفیه که فیلم میخواد بزنه ولی نه توی شرایط عادی، بلکه توی شرایط خیلی سختی که حتی برای اجاره کردن دوربین مجبوری کلی زحمت بکشی و کلی خطر رو به جون بخری.

به نظرم سید محمد رضا خردمندان کارگردان فیلم **۲۱ روز بعد** توی درک مساله خیلی موفق بوده و حتی به خوبی هم تونسته این مساله رو با دیالوگ های نسبتا خوب و انتخاب بازیگرهای بهتر، خیلی هنرمندانه به مخاطبش منتقل کنه. البته شاید بعضی جاها برای جذابیت بیشتر داستان حسابی بهش پیاز داغ اضافه کرده. ساره بیات هم به عنوان نقش مکمل و در نقش یک مادر که بیماری داره و همسرش هم فوت کرده تونسته از نظر احساسی فیلم رو جلو بندازه و خیلی از جاها تقابل مرتضی و مادرش که تونسته فیلم رو از یکنواختی دربیاره. نکته مهم اینه که تم اصلی داستان، کمک این نوجون به مادرش برای تهیه قرص های گرون قیمت ولی این رو هم به خوبی یاد تون میندازه که برای رسیدن به رویاهاتون تلاش کنید، اگر رویاهاتون خیلی دور از دسترس هستن بیشتر تلاش کنید.



## پشت صحنه سینما



شاید یکی از نقاط عطف زندگی هنری داریوش فرهنگ همین فیلم باشه که به صورت خلاصه و نه خیلی اغراق شده به درسهای زندگی به فیلمساز می پردازه و نشون میده همه چیز اونقدرها هم که ما فکر می کنیم گل و بلبل نیست و خیلی باید همه چیز رو به جون خرید تا بشه به آدم بگن فیلمساز و کارگردان.

و اینجاست که شاعر میگه کار هر بز نیست خرمن کوفتن ....

و چقدر این خرمن فیلمسازی میتونه جذاب و سخت باشه که با این که استخوان هامون ممکنه توش بشکنه و حسابی خستمون کنه ولی باز هم هستن کسانی که همچنان بر این باورن که سینما و دیگه هیچ.

فیلم **دو فیلم بایک بلیت** نسبتا قدیمیه و اگر با معیارهای امروزی بخوایم بسنجیمش شاید خیلی ایرادات چه توی ساخت و چه توی محتوا بشه بهش وارد کرد ولی قطعا برای زمان خودش به دنیا حرف داشته، کما این که الانم بدون حرف نیست.

توی این سبک فیلم ها و زمانی که به مقدار رنگ و بوی مستند هم قراره به داستان داده بشه این هنر و توانایی کارگردان و البته تک تک بازیگراس که بتونن اون مرز باریک بین فیلم و مستند رو به درستی حفظ کنن و از مسیر خودشون که یا فیلمه و یا مستند خارج نشن و این مساله توی این فیلم قطعا به درستی رعایت شده و ما با به فیلم سینمایی طرف هستیم نه به مستند.

تقدیم به عاشقان فیلمسازی؛ باشه که به کم از دنیای خیالی شون بیرون بیان و با واقعیات روبه رو بشن.